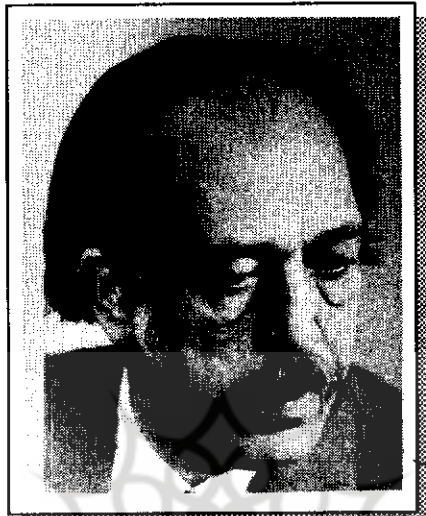


## فریدون توللی را باید از نو شناخت

نوشته پرویز خائفی



فریدون توللی

اگر در پیدایش و مسیر رشد و جایگاه اصیل شعر امروز به حق از نیما و حرکت ابداعی او نام ببریم و از شیوه کار توللی و تجلی آثار او در آن زمان غافل باشیم، یا از سر نا آگاهی و ناسپاسی است، یا به یقین مغرضانه و غیرمنصفانه به قضاوت نشستیم.

روزهایی که نیما خسته از قیود و سنت دریافته بود تکرار مکررات دیگر راهی به دهی نیست و این دریافت ضرورت زمانه و همگامی با تحولات اجتماعی است، توللی که با او فاصله سنی داشت، تنها شاعری بود که بار سفر را از شیراز بست و به دیدار نیما شتافت و به عشق این دلباختگی نام دخترش را هم نیما گذاشت. اما نکته اینجاست که نیما آن روزها آن قدر که در ویرانی همه پیوندهای کهن می کوشید چندان به کیفیت ساختار بیانی و آراستگی مجدد آن توجهی نداشت و آن چه برای او مهم بود نگرش انتزاعی و حسی به زندگی و طبیعت و اشیاء بود، اما توللی این پرش فکری نیما را نخواست قربانی بیان فاخر و موروئی با شعر کهن کند و بر آن بود تا در شیوه نو نیز زبانی پیراسته و آهنگین و سنگین داشته باشد. پس آن چه مهم است درک مشترک هر دو در لزوم دگرگونی و نوسازی بود، همچنان که توللی هرگز آثاری چون گفته‌های خام و گاه سست نیما را در آغاز شعر امروز ندارد و از همان روزها قطعاتی شیوا و استوار و ماندنی عرضه کرد. در این جا مجال بحثی تحقیقی و تطبیقی پیرامون نیما و توللی نیست آن چه به اختصار گفتنی است این است که گروهی توللی را همچون پاره ابری می دانند که سال‌ها شعر نو و شعر اصیل نیمایی را از درخشش بازداشت و جمعی هم برخلاف این نظر معتقدند اگر نیما امکان این همه پراکنده گویی و آزادی در وزن و بیان را فراهم نیاورده بود مسیر معتدل شعر توللی می توانست با گسترش بیشتر، هم در گزینش وزن و هم در نوع نگرش، شعر امروز را از آشوبی که مدت‌هاست

فعال حزب توده بود. همه کسانی که بعدها به سناتور و وزارت و مقامات عالی رسیدند مثل رسول پرویزی، محمد باهری و... همه توشه از استعداد و شهرت او اندوختند و نمک از سفره او خوردند و نمکدان را شکستند، اما دیری نپایید که با پیش آمدن قرارداد نفت شمال چهره واقعی سردمداران حزب آشکار شد و توللی هم همراه با خلیل ملکی و غده‌ای دیگر انشعاب کردند و توللی به نهضت ملی شدن نفت پیوست و کتاب جنجالی دوری از بردگان سرخ را انتشار داد. توللی در این کتاب و مقالات دیگر که بیشتر در شیوه التفصیل بود سرسختانه ضمن اظهار ندامت، با حزب توده به جدال برخاست. با این که مقالاتش نخست در روزنامه‌های شیراز چاپ می شد اما آن چنان روشنگرانه و کوبنده و با چاشنی طنز خاص او آمیخته بود که تهران و سراسر ایران را فرا گرفت. توللی در این سال‌ها که بیش از ۲۵ سال - یا کمی بیشتر - نداشت، با همه عوامل استعمار می جنگید و حتی گروهی روحانی نما هم که با سیاست انگلیس همگامی داشتند از شمشیر برنده طنز و قلم کوبنده او در امان نبودند. و شگفتا که شکست نهضت ملی و کودتای مفتضحانه ۲۸ مرداد هم پیش آمد و ضربه‌ای سخت بر روح و ذهن توللی برای همیشه وارد آورد و این مصیبت نه تنها در شعرهای سیاسی و اجتماعی او هویداست، بلکه ذهنیت او را چنان آشفته کرده بود که درد شکست و ویرانی آرزوهای آینده او تا واپسین دم عمر چاشنی شعرهای غیرسیاسی و حتی تغزلی و به لیریک او هم شد و به صورت عنصر مرگ در رگ و پی آثار او که بعد در کتاب نافه جمع شد مشخص است. سال‌های بعد از ۲۸ مرداد که به تهران فرار کرده بود و آثارش در مجله سخن چاپ می شد همه نشانگر واخوردگی و ندامت و از همه مهم تر خیانت دوستان است:

دیدم که زیاران کهن کس نیست

جز یک دو سه تن خسته و افسرده

وان جمع پراکنده یکایک، آه!

گریبانگیر آن شده رهایی بخشند. من بی آن که نظری خاص و تعصب آمیز در این زمینه داشته باشم تنها بر این نکته تاکید دارم که به هر صورت توللی شاعر ماندگار ادب فارسی است و آثاری در زمینه تغزل و طنز ارائه کرده است که از بهترین نمونه‌های شعر معاصر است و به اضافه، با اینکه یک سر و گردن از بسیاری از شاعران مطرح بالاتر است هنوز ناشناخته مانده و کارهایش به درستی دست‌بندی و آنالیز نشده است و جا دارد که در فرصتی مقتضی آثارش مدون و تکثیر شود و لااقل آنان که از کار او توشه‌هایی بسیار گرفته‌اند از گفتن آن چه شایسته اوست کوتاهی نکنند. توللی را باید در دو جهت شناخت و این دو جهت ضمن آن که دو خط است، اما در کل، شعر او زائیده تاثیرپذیری واحد از این دوگانگی است. فریدون هم مرد سیاست و مسائل سیاسی و دگرگونی‌های محتوم آن بود و هم مردی ادیب و مایه‌ور و شاعر شعرهای ناب تغزلی بود.

فریدون متولد ۱۲۹۸ شمسی در شیراز است و متأسفانه در ۶۲ سالگی در خرداد ماه ۱۳۶۴ در همین شهر درگذشت.

فریدون سال‌ها در شیراز محور اصلی و عضو

یا غرق خیانت شده یا مرده

### توللی و واژگان بدیع

سال‌های جوانی و میانسالی توللی مصادف بود با سال‌های نوجوانی و جوانی من. دوستی او با پدرم و بعدها با خودم موجب شده بود که اغلب با او باشم، به خصوص که هم از نظر فکری و جهت سیاسی و هم آغاز کار شاعری سخت شیفته تفکر سیاسی و شیوه شعری او بودم. استعداد او در زمینه ادبی چنان بود که قبل از کودتای ۲۸ مرداد روزنامه صدای شیراز را با صاحب امتیازی دیگری او می‌نوشت. این روزنامه در هفته دو شماره چاپ و سریع نایاب می‌شد. من نوجوانی بودم و با او به چاپخانه می‌رفتم. شگفت که او از ۸ صبح تا ۱۲ ظهر همه مطالب روزنامه را، چه شعر و چه مقاله، خود می‌نوشت و نام‌ها و امضاءهای مستعار بزیر آنها می‌گذاشت و هر دفعه خود او یک روزنامه با مطالب گوناگون آماده چاپ می‌کرد. توللی را باید از نظر زمانی در دو برهه شناخت:

سال‌هایی که از نامداران شعر نو بود و بر سنت گرایان حمله می‌کرد و سال‌هایی که به علل مختلف از جمله ناسپاسی گروهی که مطبوعات تهران را در دست داشتند و ضمن تحلیل‌های مکرر از نیما و شاملو و... حق پیش‌کسوتی او را نادیده گرفته بودند و براو می‌تاختند و این خود موجبی بود تا توللی رفته رفته به خلاف دوره پیشین از شعر امروز کناره‌گیر و به عمد جانبدار ادب کهن و شعر سنتی شود. این بار، او ارزش‌های شعر امروز را نادیده می‌گرفت و قالب غزل و قصیده را گزیده بود و این همان مرحله‌ای است که ناخواسته همکاری با نشریاتی سنتی و گاهی بی‌خبر از شعر نو را برگزیده بود و آثار گاه استادانه خود را در مجله‌های وحیدگوهر، ارمغان و یغما چاپ می‌کرد و این کار کم‌کم از توللی چهره‌ای مخالف شعر امروز را ساخت. می‌گفت من معتقدم اگر شاعری مایه ادبی داشت می‌تواند در همان قالب‌های قدیمی هم سخن تازه و نو عرضه دارد، که البته این سخن مغایر با حرکت تکاملی شعر امروز و مسیر نیمایی بود و

لطمه‌ای بزرگ به توللی و آثار اولیه او زد. آنچه گفتمی است این است که توللی را باید در سه کتاب «رها»، «نافه» و «الفاصل» شناخت و آثار ارزنده او را مورد ارزیابی قرار داد. در «رها» توللی شاعر جوانی است که با پشتوانه دانش ادب کهن آثاری خلق کرده که پرفسور آربری شرق‌شناس قطعه مریم را با شاهکار نظامی در خسرو و شیرین مقایسه می‌کند و بیشتر شعرهای «رها» به زبان‌های زنده دنیا ترجمه می‌شود و نام او از مرز ایران فراتر می‌رود.

قطعه اندوه شامگاه:

کیست این مرده که در روشنی شامگاهان

تکیه داده است بر آن ابر و نشسته است به کوه

یکی از بهترین شاهکارهای شعر فارسی است

همچنین قطعات سایه‌های شب، پشیمانی، شعله

کبود، دخمه راز، مرگ عفیونی و مریم و...

در این آثار زبان رمانتیک شاعر از عشق و

توصیف طبیعت تصویرهایی آفریده که در نوع

خود بی‌نظیر است:

## بخارا

مجله فرهنگی و هنری  
مدیر و سردبیر: علی دهباشی

بخارا مجله‌ای است فرهنگی و هنری که در آن مقالات و نقدها و خبرهای مربوط به ادبیات و هنر ایران و جهان منتشر می‌شود.

شماره دوم مجله فرهنگی و هنری بخارا با مقالاتی از نویسندگان، مترجمان و استادان برجسته فرهنگ، ادب و هنر ایران منتشر شد. آثاری از:

عبدالحسین زرین کوب - محمد امین ریاحی - محمد رضا شفیعی کدکنی - عزت‌الله فولادوند - محمدجعفر یاحقی - ایرج افشار - مهدی غبرایی - نصرت کریمی - شرف‌الدین خراسانی - خسرو ناقد - علی محمد حق‌شناس - فریدون مشیری - احمد رضا احمدی - علی بهزادی - انورخامه‌ای - سیروس پرهام - پرویز اتابکی - ناصر نیرمحمدی - منوچهر ستوده - مینو مشیری - احمد پوری - شارلوت گریگوریان - جمشید ارجمند - هما ناطق - جلال خسروشاهی - سعید فرید قاسمی - نوذر پرنگ - مسعود رضوی - نهال نفیسی - مرتضی زربخت - ویدا فرهودی - مه‌ری شاه حسینی - فرخ تمیمی - سعید حمیدیان - عبدالحسین فرزاد - پونه ندائی - مریم زندی و ایرج هاشمی زاده

شرایط اشتراک:

بهای اشتراک سالانه مجله بخارا در داخل کشور برای شش شماره با احتساب هزینه پست دوازده هزار تومان است. متقاضیان می‌توانند وجه اشتراک را به حساب جاری ۳۵۲۳ بانک صادرات شعبه ۷۷۲ اوایل خیابان میرزای شیرازی به نام علی دهباشی واریز کنند و اصل برگه را با ذکر نشانی دقیق (با قید کد پستی) به نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۶۶-۱۵۶۵۵ ارسال کنند.

تلفن و فاکس: ۸۷۰۷۱۳۲

نام و نام خانوادگی: .....

نشانی: .....

کد پستی: .....

تلفن: .....

در نیمه‌های شامگهان

آن زمان که ماه

زرد و شکسته، می‌دمد از طرف خاوران

از «قطعه مریم»

غیر از اوصاف زنده حسی ترکیبات «رها» همه با استفاده واژگان فارسی بدیع و تازه است به نمونه‌هایی از ترکیبات «رها» و «نافه» توجه کنید گردباد سرکش یاد، بوم دریغ زردی‌کش، زبان لال پشیمانی، فسونبار، افسونگر، ماه پریده رنگ، سایه خیال، دیو لاج، روانسوز، روانکاه، هنرزای هنرسای، دردپرور، گریبان‌سوز، سبک‌جوش تب افروز، اندیشه گرم، هوس‌های فروزنده، درشتناک، هوسناک، دل‌افروز، نیلوفر شاداب، بیم دل‌ویز، سامان ناز، سرانگشت عشوہ کار، سوگند پرده سوز، سراچه مهر، پندار سیاه، دست غمگسار، اشک فروزنده و...

این قضاوت ناعادلانه که توللی جایگاهی در تکامل شعر نو ندارد آنقدر شگفت‌آمیز است که بدنیست نظم خود او را که جامعیت تفکر وی را میرهن می‌کند از مقدمه رها بیاوریم:

«به جای استفاده از فراش یاد صبا که اینک همچون نامه‌رسانی فرتوت مستحق بازنشستگی است به سراغ مضامین و استعارات جدید برویم و از آوردن تشبیهاتی چون قد سرو، لب لعل، زلف سنبل نارستان، موی میان طاق ابرو که در اثر نسخه‌برداری گویندگان کوتاه طبع از اوج شامخ ابتکار به لجن زار سیاه ابتدال افتاده است خودداری کنیم.»

توللی این سخن را در سال‌هایی می‌گوید که سنت‌گرایان نیما را دیوانه و فاقد شعور می‌شناسند و آثار او را به سخره می‌گیرند. اصولاً راه این دو شاعر از هم جداست در حالی که هر دو به این درک رسیده بودند که بنیان شعر باید دگرگون شود، اما توللی شاعری است که چندان گرایشی به ناتورالیسم ندارد و بیشتر به سمبولیسم و امپرسیونیسم متمایل است، ضمن این که در «رها» و «نافه» رومانتیسیسم لفافه نرم و نازکی بر تمام شعرهای اوست. توللی چون با زبان فرانسه آشنا بود در بسیاری از آثارش بهره‌هایی از شاعران فرانسه مثل بودلر، رمبو و والرئ هم گرفته است و مرگ نیز که یکی از درونمایه‌های اصلی شعر توللی است بی‌تأثیر از این آشنایی نیست. در نامه‌ای خصوصی نوشته است: شعر تازه‌ای برایم می‌فرستم اما تنها این دو بیت واقعیت زندگی است:

## این قضاوت که توللی جایگاهی در تکامل شعر نو ندارد، ناعادلانه و شگفت‌انگیز است.

عمری به عبث را ندیم و هر نقش دلاویز  
بی‌پرده چو دریانتمش نقش خطا بود  
جز مرگ که یکتا در زندان حیات است  
باقی همه دیواره دروازه نما بود

شادروان دکتر غلامحسین یوسفی در کتاب چشمه روشن توجیه مرزا از تفسیر مرگ در شعر توللی که نخستین بار در یادنامه او به همت دکتر ایرج افشار چاپ شد نقل کرده و می‌نویسد: بهترین تجزیه و تحلیلی است که از مرگ در شعر توللی شده است: در منطق فکری و جوهر ذهنی توللی و اصولاً در کیفیت برداشت‌های او از حیات مرگ را به صورت جزئی لاینفک از کلیت آفرینش دوست می‌دارد و بر آن است که همان‌گونه که هستی را برای آفرینش زیبایی‌های هنر پذیرفته و لمس کرده است نیستی را در بطن هستی حس کند و درک نماید و از این جهت توصیف مرگ را توجیهی عقلانی از حتمیتی قابل قبول می‌داند و واقعیت نیستی را چون ضرورت هستی قابل ستایش می‌انگارد و آن را گریزگاهی برای پرسش‌های فلسفی و سرانجام حیرت‌حافظانه می‌خواهد.

فردون کار حفاری را هم چون کاری هنری می‌پنداشت روزی گفت: کار حفاری و امور مربوط به شناخت ادوار پیشین همان شور و احساس آفرینش هنری را دارد. سفالی شکسته، کوزه‌ای از خاک بیرون آمده آن چنان در من شور و شوق برمی‌انگیزد که خلق یک اثر هنری مرا به وجد می‌آورد.

نشانه این صداقت‌گفتار در قطعه ارزنده باستان‌شناس دقیقاً آشکار است:

در ژرفنای خاک سیه باستان شناس

در جستجوی مشعل تاریک مردگان

\*\*\*

بی‌اعتنا به تربت گلچهرگان خاک

براستخوان پیر و جوان می‌زند کلنگ

\*\*\*

ناگاه خیره‌کژدمی از گوشه مفاک

از دنگ دنگ تیشه هراسان و خشمناک... الخ

\*\*\*

به هر صورت این‌ها، گوشه‌هایی از شعری است که سالهای حاکمیت سنت و رعایت قوانین دقیق ادب کهن که شعر نیما هنوز جای خود را باز نکرده و زبانش برای جامعه ادبی مهجور و غیرقابل درک است از حنجره شاعری بیرون می‌آید که برای نوجویان تازه و بدیع است و رفته رفته گسترده‌گی آن ایران و خارج از ایران را فرا می‌گیرد و اینک که سالیان بسیار از آن روزگار گذشته سزاوار نیست شایستگی و بدعت‌ها و از همه مهمتر دریافت او را که شعر باید دگرگون گردد، نادیده انگاشته شود.

بیش از این مجال سخن نیست، اما به نظر من اگر چه فردون بعدها خود تیشه به ریشه خود زد و مسیرش را تغییر داد و جهت تکاملی را فرو گذاشت و به عمد به قافیه و وزن و صنایع ادبی و قالب‌های کهن روی آورد اما «رها» و بعدها «نافه» با شیوه خاص بیانی او دل‌بستگی‌اش به زبان شفاف و فاخر شعر، آثاری ماندنی در شعر معاصر است و ضرورت دارد در ارزیابی کار نیما و پیدایش شعر نو خصوصیات کار توللی شناخته و بررسی شود. همان طوری که گفتیم بعد مهم دیگر شعر توللی طنز ظریف و پرمایه اوست که محتوای همه آن‌ها مبارزات اجتماعی و سیاسی علیه غارتگران دست‌نشانده استعمار حاکم بر ایران آن روز است. چهره توللی چهره درخشان شعر معاصر است که بازننگری و شناخت دوباره او همراه با تجزیه و تحلیل یک یک آثارش یک ضرورت غیرقابل تردید است. در صورتی که وقتی قلم به دست می‌گیریم اگر بدون غرض و تعصب باشد و مسیر واقعیت تکاملی شعر امروز را از آغاز تا کنون که گاه حرکت تکاملی به هرج و مرج و پراکنده‌گویی و بی‌محتوایی کشیده شده است در نظر داشته باشیم، در فرصتی مناسب می‌توان یک یک آثارش را مورد نقد و بررسی قرار داد و حتی لغزش فکری او را فراموش نکرد. کتاب کاملی از او زیر چاپ داریم که شخصیت واقعی توللی را نشان می‌دهد.